

## گسترش شهر نشینی

بر اساس محاسبات مرکز آمار آمریکا در سال ۲۰۰۰ ۳۷٪ از جمعیت چین در شهرها زندگی می کردند ( مرکز آمار آمریکا ۲۰۰۳ ). در دومین بررسی انجام شده "چان" و "هو" آمار شهرنشینان را در سال ۲۰۰۰ ۳۶٪ بر آورد می کنند . آمار شهرنشینان در سال ۱۹۹۰ ۲۶٪ بود و "چان" و "هو" علت افزایش جمعیت شهرها را مهاجرت روستائیان به شهر در دهه ۱۹۹۰ می دانند. نیاز شهرها به نیروی کار، مهاجرت را تشدید می کند و انتظار می رود که میلیونها نفر دیگر به شهرهای بزرگ و کوچک در دهه های آینده مهاجرت کنند. "ژائو" و "ما" استدلال میکنند که آمار شهرنشینان در چین نسبت به سایر کشورها هنوز پائین است و بهمین دلیل برای رسیدن به آمار متوسط سایر کشورها انتظار

می رود که مقررات محدودیت مهاجرت به شهرها آسان تر شود. هم اکنون میلیونها نفر بدون محدودیت در جستجوی کار دائم و یا موقت به شهرها سفر می کنند.

نمودار شماره یک :

هزینه های دولت برای زیرسازی و خدمات شهری در سال ۲۰۰۰ و برآورد برای ۲۰۱۰

انواع هزینه ها	کل هزینه ها در در سال ۲۰۰۰	هزینه سرانه برای هر شهر نشین در سال ۲۰۰۰	مجموع هزینه هابرای سال ۲۰۱۰
	میلیون یوان	یوان	میلیون یوان
ساختمان سازی صنعت ، حمل و نقل و تجارت	۲۰۹۴۸۹	۴۴۸	۲۸۶۸۷۰
فرهنگ، آموزش و بهداشت	۲۷۳۶۸۸	۵۸۵	۳۷۴۷۸۳
اداری	۱۷۸۷۵۸	۳۸۲	۲۴۴۷۸۸
مجموع	۶۷۶۹۴۲	۱۴۴۷	۹۲۶۹۹۱

پیدا کردن ارقام دقیق مهاجرت بسیار مشکل است و بستگی به تعریف نوع مهاجرت و نیز روش تحقیق دارد ( Goodkind and west 2002 ). به نظر مرکز آمار ، نرخ شهر نشینی چین انتظار می رود به سرعت رشد کند و به ۴۸٪ تا ۲۰۱۰ برسد که هنوز زیر نرخ میانگین کشورهای با درآمد متوسط است، (۲۰۰۲ بانک جهانی) نرخ زاد و ولد در چین پائین است و بنابراین دلیل اصلی گسترش سریع شهرسازی ، مهاجرت داخلی و نیز تبدیل زمین روستاها به شهرک های مسکونی است. بنا بر مطالعات "چو" و "هو" حدود ۸۰٪ افزایش جمعیت شهرها ناشی از مهاجرت و تبدیل زمین های روستائی به شهرک ها و ۲۰٪ ناشی از افزایش طبیعی جمعیت شهرها است .

مرکز آمار پیش بینی میکند که ممکن است ۱۴۵ میلیون نفر تا سال ۲۰۱۰ به شهرها مهاجرت کنند یا مناطق روستائی مسکونی آنان بعنوان شهرها طبقه بندی شود. برای اینکه حدوداً اثرات این مهاجرت ها را بر افزایش هزینه شهر سازی نشان دهیم ، از محاسبات تخمینی مرکز آمار بهره می جوئیم. هزینه سرانه مربوط به توسعه شهرها مانند خدمات و ساختمان سازی در سال ۲۰۰۰ را مبنای محاسبه هزینه تا سال ۲۰۱۰ قرار می دهیم

مرکز آمار امریکا جمعیت چین را در سال ۲۰۱۰ (۱۳۴۷۰,۵۶) میلیون برآورد کرده که

۶۴۰,۶۳ میلیون آن در شهرها سکونت خواهند داشت ( مرکز آمار امریکا ۲۰۰۳-۲۰۰۴).

هزینه های چهار بخش عمده شهرسازی شامل; سرمایه گذاری برای امور ساختمان ، هزینه های

راه اندازی صنایع ، حمل و نقل ، مراکز تجاری و هزینه های امور فرهنگی ، علمی ، تحصیلی و

بهداشت و نیز هزینه های مراکز اداری دولتی.

با این ارقام امکان تفکیک هزینه های شهری و سایر هزینه ها وجود ندارد ولی این محاسبات حداقل میزان هزینه های مورد نیاز در آینده را برآورد میکند .

نمودار شماره ۱ خلاصه هزینه ها و افزایش آن را بدلیل ازدیاد جمعیت شهرها نشان می دهد. با فرض اینکه هزینه سرانه ثابت باشد ارقام ستون

سمت راست ( مجموع هزینه های ۲۰۱۰ ) حاصل ضرب ارقام ستون قبل از آن ( هزینه سرانه برای هر شهرنشین) در میزان جمعیت شهر نشین در

سال ۲۰۱۰ می باشد.

افزایش کل هزینه ها از ۶۷۶۹۴۲ میلیون یوان به ۹۲۶۹۹۱ میلیون یوان سه در صد افزایش سالانه را برای مدت ده سال نشان میدهد. این افزایش

هزینه ها فقط بعلت ازدیاد جمعیت شهر نشین است و نیز هزینه سرانه از این محاسبات بر مبنای سال ۲۰۰۰ ثابت فرض شده و حال آنکه معمولاً

هزینه سرانه هم افزایش می یابد. و دلیل آن هم تقاضا برای افزایش خدمات دولتی است که حاصل پیچیدگی جامعه شهر نشینی و نیز گسترش نا

خواسته محلات فقیراست که خود ناشی از سرعت گرفتن مهاجرت از روستاها به شهر می باشد ( Bahl and Linn 1992 ).

روش دیگر برای درک اثر بالقوه گسترش سریع شهر نشینی ، بررسی تغییر هزینه ها در چهار بخش یاد شده در طی دهه گذشته بوده که جمعیت شهر

نشین از ۲۶ درصد به ۳۷ درصد افزایش یافته است. به عنوان مثال هزینه ها در بخش ساختمان از ۵۴۷۳۹ میلیون یوان از سال ۱۹۹۰ به

۲۰۹۴۸۹ میلیون یوان در سال ۲۰۰۰ افزایش یافت که رشدی معادل سالانه ۱۵ % داشته است. یعنی از ۱۵۱۴۷۱ میلیون یوان در سال ۱۹۹۰ به

۶۷۶۹۴۲ در سال ۲۰۰۰ ( مرکز ملی آمار چین

( ۲۰۰۱ ) . هزینه سرانه هر شهروند از ۵۰۵ یوان به ۱۴۴۷ یوان افزایش داشته است یعنی رشدی تقریباً سه برابر . به منظور اینکه هزینه های شهری در دهه آینده هماهنگ با دهه گذشته باشد، رشد هزینه سالانه باید بسیار بیشتر از ۳٪ پیش بینی شده باشد تا بتوان مصرف سرانه را ثابت نگه داشت.

چینیها عملکرد بسیار خوبی در دهه ۹۰ در زمینه گسترش زیرسازی شهرها داشتند ولی تقاضا در

دهه آینده بسیار بیشتر خواهد بود . علاوه بر آن، جلوگیری از گسترش محلات فقیرنشین و نیز اطمینان از عدم بروز ناآرامیهای اجتماعی عواملی هستند که دولت را وادار می کند هزینه های بیشتری برای توسعه شهری مصرف کند.

## تامین اجتماعی :

صندوق بازنشستگی با بودجه دولت مرکزی هنوز در مراحل اولیه شکل گیری است ، برای سالها شرکت ها و موسسات دولتی مسئول پرداخت حقوق بازنشستگی به کارکنان خود از محل درآمدهای خود بودند ، در این روش موسسات از محل عوائد خود موظف به پرداخت حقوق بازنشستگی هستند ( payg ). اشکال عمده این روش اینستکه از حقوق کارکنان سهم بازنشستگی

کسر نمی شود تا از محل وجوهات ذخیره شده بتوان بخشی از حقوق بازنشستگان را پرداخت کرد. به عبارت دیگر هزینه های بازنشستگی موسسات، بستگی به تعداد بازنشستگان دارد و نه به تعداد کارکنانی که مشغول کار هستند.

مشکل ترین بخش اصلاحات در شرکتهای موسسات چینی تجدید سازمان آنهاست که سودآور شده و بتوانند در بازار آزاد رقابت کنند . این اصلاحات متضمن اینستکه اجازه داده شود بازار آزاد گسترش یافته و مردم بتوانند برای کار مورد علاقه خود رقابت کنند و یا چنانچه امکان شغل بهتری پیدا شود شغل خود را عوض کنند. برای اجرا کردن این جنبه های اصلاحات نیاز به وجود سیستم های اجتماعی فراگیر، مانند تامین اجتماعی است.

در حال حاضر مجموع پرداخت شرکتهای و موسسات برای رفاه و بازنشستگی کارگران حدود ۴۰٪ دستمزد آنهاست ( Ma and Zhai 2001 ) . طبیعی

است که این تعهدات مالی مانع توانایی شرکتهای در سود دهی و رقابت در بازار جهانی می شود. علاوه بر آن روند تغییر در ترکیب جمعیت چین هشدار دهنده است زیرا نسبت افراد مسن در جامعه چین رو به افزایش است و به تبع آن در آینده وابستگی بیشتری به دولت خواهند داشت . بعلاوه پائین

بودن نرخ رشد جمعیت در چین پیش بینی میشود که تعداد کارگران بعد از سال ۲۰۳۰ کاهش یابد و بیش از یک چهارم جمعیت چین بالای ۶۵ سال باشند ( James, 2001 ). در حالیکه این دگرگونی در ترکیب جمعیت بیشترین اثر را در آینده خواهد داشت، در حال حاضر نیز سیستم فعلی نیاز به اصلاح دارد.

حتی اگر از تعهدات بازنشستگی در آینده صرف نظر شود. در حین اصلاح سیستم کنونی نیز موسسات دولتی چین، با تعهدات بازنشستگی و هزینه های دوران گذار روبرو هستند.

در اصلاحات انجام شده تحت نظر شورای دولتی چین سیستمی تجربه و اجرا شده است که در آن کارگر و کارفرما مشترکاً سهم بازنشستگی را پرداخت می کنند. هم اکنون حتی با وجود این تغییرات، تنها حقوق تعداد کمی از کارگران پرداخت می شود و سیستم با مشکلات عمده ای روبرو است ( Ma and Zhai 2001 ). مهمترین و فوری ترین مشکلی که اکنون وجود دارد اینست که بسیاری از موسسات، پول لازم برای پرداخت حقوق بازنشستگی کارکنان خود را ندارند.

دولتهای محلی بخشی از این کمبود را پرداخت می کنند ولی طبعاً این موسسات به کمک دولت مرکزی نیز نیازمند هستند. در بعضی موارد حقوق بازنشستگی کاهش یافته و یا اصلاً پرداخت آن متوقف شده است و مشکلات معیشتی برای کارگران و سیاسی برای دولت به بار آورده است. بنا بر آمارهای رسمی تا سال ۲۰۰۰ کسری بودجه مربوط به بازنشستگی حدود ۴۰ میلیارد یوان است که نیمی از آن را دولت پرداخت می کند ( Ma and Zhai 2001 ).

برای اینکه تاکید مجددی بر مشکلات سیستم فعلی بازنشستگی داشته باشیم لازم به ذکر است که دولت تنها در سال ۲۰۰۰ ; ۲۰۰ میلیارد یوان از

حسابهای بازنشستگی کارگران شاغل وام گرفته تا حقوق باز نشستگان را تامین کند.

رهبران و تحلیل گران در چین می دانند که ادامه این وضعیت امکان پذیر نیست و تغییرات ترکیب جمعیت بزودی هزینه های زیادی برای سیستم بازنشستگی به وجود می آورد. میزان پرداخت برای تعهدات فعلی سیستم بازنشستگی با هزینه های سایر فعالیتهای دولت مانند امور ساختمانی برابری می کند. بر آورد هزینه های مورد نیاز برای تغییر سیستم "پرداخت حقوق بازنشستگی توسط کارفرمایان" (Payg) به سیستم "کلاً تامین اعتبار شده" بستگی به پیش فرضهای مختلف، از ۴۶ تا ۹۵ درصد تولید ناخالص داخلی را شامل میشود. که در هر صورت مبلغ قابل توجهی خواهد بود (Ma and Zhai 2001).

نظر به اهمیت و جدی بودن این تعهدات و نیز بهینه کردن سیستم بازنشستگی از اوائل ده ۹۰ شورای کشور در این زمینه اقدامات گوناگونی انجام داده و نیز تجربیاتی در استانهای مختلف به عمل آمده است. فراهم کردن سرمایه لازم برای تکمیل اصلاحات در سیستم بازنشستگی اکنون بصورت مسئله ای حیاتی در آمده است (James, 2001; Bottelier, 2002). افزایش سرمایه در بخش دولتی میتواند از طریق فروش داراییها دولت تامین شود و در بخش خصوصی از طریق سرمایه گذاری وجوهات پرداختی برای بازنشستگی، تا در دراز مدت بودجه لازم برای صندوقهای بازنشستگی فراهم شود.